

جدال احسن از دیدگاه

امام‌رضا (علیه‌السلام)

دریافت: ۱۳۹۶/۴/۹ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۳۰

مرتضی رحیمی^۱، سمیه سلیمانی^۲

چکیده

مناظره با روش‌های صحیح در افکار و قلب دیگران نفوذ بیشتری دارد اما مناظره با روش‌های نادرست، طرف مقابل را در عقیده باطل خویش متعصب‌تر می‌کند. لذا قرآن مناظره (جدال) احسن را توصیه کرده است. در این نوع مناظره که امام‌رضا (علیه‌السلام) از آن بهره گرفته‌اند، بر جنبه‌های عقلی و عاطفی و برهان تأکید شده است؛ توهین به طرف مقابل و مذمت دین او اجازه داده نشده و از مشترکات مورد قبول ادیان، مانند توحید، نبوت و... استفاده شده است. تعصب، ستیزه‌جویی، خودنمایی و اقناع به انگیزه شهرت‌طلبی در این مناظره راه ندارد و در آن بر «ساده‌گویی و پرهیز از بغرنج و پیچیده‌گویی» تأکید شده است. انصاف‌داشتن مناظره‌کننده و اعتراف به خطای خود در فرض روشن‌شدن اشتباهش، از دیگر ویژگی‌های این نوع مناظره است. این نوع مناظره در امور دینی نیز مجاز و چه‌بسا واجب است. این نوع مناظره نه‌تنها موجب کینه و عداوت نمی‌شود، بلکه اثرهای مثبت فراوانی دارد. مناظره با جاهل، مناظره با کسی که اهداف شیطنانی دارد، همچنین مناظره در آنچه وحدت مسلمانان یا بشریت را به خطر می‌اندازد، مجاز نیست. این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده، در پی پاسخ به این پرسش است که از دیدگاه امام‌رضا (علیه‌السلام) منظور از جدال احسن چیست؟

کلیدواژه‌ها: امام‌رضا (علیه‌السلام)، جدال احسن، مناظره، برهان، امور دینی.

۱. دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شیراز، بخش علوم قرآن و فقه (نویسنده مسئول): mrahimi@shirazu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد دانشگاه شیراز: s.soleimani23@gmail.com

۱. مقدمه

مناظره گفتمانی برای ایجاد فهم مشترک و درک متقابل توأم با اثربخشی دوجانبه است. در صورت تحقق شرایط آن، فایده و اهمیت زیادی دارد، چنان‌که فیض کاشانی گفته است: «باید دانست مناظره در مسائل دین از احکام دین است، لیکن شرایط و محلّ و وقت خاصّ دارد. هر کس به‌صورت صحیح بدان قیام و شرایط آن را رعایت کند، حدود آن را به‌جا آورده و از سلف صالح پیروی کرده است. چه آنان جز برای خدا، و طلب آنچه در پیشگاه او حقّ است مناظره نمی‌کردند.» (فیض کاشانی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۹۹). از عبارت فیض برمی‌آید که مناظره باید با شرایطی و به‌شیوهٔ احسن انجام شود، زیرا این شیوه عمیق‌ترین اثر را دارد. از همین‌رو، قرآن در آیاتی، مانند «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (عنکبوت/۴۶) بر آن تأکید و به آن توصیه کرده است. لذا، می‌توان گفت که جدال به دو نوع احسن و غیراحسن تقسیم می‌شود. با توجه به ویژگی‌هایی که برای جدال احسن بیان شده، برخی از جدال‌های غیر احسن حرام هستند.

تعبیر «الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» بسیار کامل است و همهٔ روش‌های صحیح و مناسبِ مباحثه، اعم از الفاظ مؤدبانه و همراه با احترام، فصاحت در گفتار و محتوای سخن و به‌طور کلی جدال احسن را در برمی‌گیرد زیرا هدف از مناظره و مباحثه، برتری‌جویی، تحقیر طرف مقابل، جدال و به‌کرسی‌نشاندن سخن خویش نیست، زیرا در این صورت، هرگز پیشرفت فکری حاصل نمی‌شود. بلکه هدف از مناظره، تأثیر کلام و نفوذ سخن در اعماق روح دیگری است، چنان‌که مناظره امام‌رضا (علیه‌السلام) با عمران صابی موجب مسلمان شدن وی گردیده است (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۷۷). در دورهٔ آن حضرت، دامنهٔ شبهات دینی و اعتقادی به اوج خود رسیده بود. از همین‌رو، آن حضرت در قالب احتجاجات و مناظرات به تبیین مسائل اسلامی و علمی می‌پرداختند. غالب سخنان ایشان در سه سال پایانی عمرشان بدین طریق نقل و پخش شده است. با نگاهی به کتاب‌های مختلف می‌توان دریافت که شیوهٔ مناظره‌های ایشان از

بهترین نمونه‌های جدال احسن است که هم قواعد و اصول فنی و هم ارزشی در آن کاملاً رعایت شده است.

درباره جدال احسن در سخنان امام رضا (علیه السلام) تحقیق مستقلی وجود ندارد، اما آیت‌الله مکارم شیرازی کتاب مستقلی درباره مناظرات امام رضا (علیه السلام) نگاشته‌اند. در کتاب مزبور هفت مناظره امام رضا (علیه السلام) همچون مناظره با جاثلیق، مناظره با رأس الجالوت و... بررسی شده است، اما در آن به جدال احسن و عناصر ضروری آن از دیدگاه امام رضا (علیه السلام) اشاره نشده است. همچنین در مقاله «اصول علمی و اخلاقی مناظره‌های رضوی» نوشته رضازاده و فارسی‌نژاد (۱۳۹۴) اشاره اندکی به جدال احسن از دیدگاه امام رضا (علیه السلام) شده است.

پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و در پی آن است که به پرسش‌هایی چون «منظور از جدال احسن چیست؟»، «عناصر لازم تحقق جدال احسن از دیدگاه امام رضا (علیه السلام) کدامند؟»، «آثار مثبت جدال احسن چه مواردی هستند؟»، «جدال‌های غیرمجاز کدامند؟» و... پاسخ بدهد.

جنبه نوآوری مقاله حاضر در بیان مفهوم جدال احسن و عناصر لازم برای تحقق آن و نیز در بیان برخی از مصادیق جدال غیراحسن از دیدگاه امام رضا (علیه السلام) است، زیرا برای تحقق جدال احسن، که قرآن از آن سخن گفته، عناصری لازم است که در سخنان امام رضا (علیه السلام) می‌توان آنها را یافت. از سویی، امام رضا (علیه السلام) به نمونه‌هایی از جدال غیراحسن، مانند مناظره‌ای که وحدت اسلامی را از بین می‌برد، اشاره کرده‌اند.

۲. مفهوم‌شناسی جدال

واژه «جدال» برگرفته از ریشه «جدلت الحبل» (طناب را محکم تابیدم)^۱ و به معنای

۱. الجدل المفاوضة على سبيل المنازعة والمغالبة و... اصله من جدلت الحبل ای احکمت فتل.

گفتگوی همراه با نزاع و به نیت و قصد غلبه و چیرگی بر دیگری، تلاش طرفین مجادله برای منصرف کردن یکدیگر از دیدگاه‌های سابق خود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۸۹)، بسیار تاییدن و شیوه‌ای در گفتگو و استدلال آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۹۶ و ۱۰۷). برخی آن را به معنای به خاک انداختن (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶: ۷۹) و برخی دیگر، حجت را در برابر حجت آوردن، معنی کرده اند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۳۳۶). طبرسی، جدل را به قصد منصرف کردن شخص مقابل از رأی و نظرش تعریف کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۲۳). شیخ طوسی نیز در تعریف آن گفته است: «جدال، بریدن خصم از عقیده‌اش به وسیله حجت و دلیل آوردن است.» (طوسی، بی تا، ج ۶: ۴۴۰).

در بیشتر معانی یادشده، قصد و نیت مجادله کننده، غلبه و چیرگی بر طرف مقابل است و دو طرف می‌کوشند تا به هر شکل و طریق رأی خود را به کرسی بنشانند و طرف دیگر را از میدان خارج کنند. لذا، طبق این تعاریف، جدال کاری ناشایست است. تعریف شیخ طبرسی و شیخ طوسی از جدال مناسب تر به نظر می‌رسد زیرا در تعریف ایشان، قصد و نیت غلبه و چیرگی بر طرف مقابل وجود ندارد و می‌تواند به شکل جدالی احسن و پسندیده درآید زیرا «جدال اگر بحق و قصد و غرض از آن، ارشاد و هدایت باشد و طرف مجادله دشمنی و عناد نداشته باشد، «جدال احسن» است و مذموم نیست، بلکه پسندیده است و از ثبات در ایمان حکایت می‌کند و یکی از نتایج نیرومندی معرفت و بزرگی نفس شمرده می‌شود. و اگر جدال به حق نباشد، مذموم است و از ردایل قوه غضب یا شهوت به شمار می‌آید که همراه با عصبیت یا غلبه جویی یا طمع مالی است» (مجتبوی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۳۷۸).

با توجه به آنچه گذشت می‌توان گفت، مناظره مصدر باب مفاعله از کلمه «نظر» به معنای نگاه کردن گرفته شده و آن در صورتی است که دو نفر برای به دست آوردن دیدگاه صواب، در چیزی نظر کنند. چنانچه مناظره کننده به فساد سخن خود و درستی سخن خصم خود آگاه باشد، با این حال با وی مناظره کند، در این صورت مکابره کرده است. اما اگر به فساد سخن خود و درستی سخن خصم خویش آگاه

نباشد، با این حال با وی مناظره کند، در این صورت مناظره وی را «معانده» گویند (صلیبا، ۱۴۱۴ق، ج ۱-۲: ۳۴۱). از این رو، هر چند عرف مردم مجادله را به معنای گفتگوی غیرمنطقی می‌دانند، ساختار لغوی مجادله چنین نیست، بلکه هر نوع مناقشه‌ای را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰: ۲۷۹).

از جمله دلایل اهمیت جدال احسن آنکه در صورتی که هدف از آن اثبات حق و اظهار آن باشد، در رجحان و بلکه وجوب آن تردیدی نیست، زیرا جدال احسن از وظایف پیامبران بر شمرده شده و در آیه «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/۱۲۵) پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به آن مأمور شده است (اشتهدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۱: ۵۰۰). از این رو، برخلاف تصور برخی درباره عدم جریان جدال در دین، جدال در عقاید مذموم نیست (کاشف الغطاء نجفی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۱۷). هر چند به دلیل نهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) جدال مسلمانان در مواردی، چون فروع دین و قدرت خداوند، نکوهش شده و از جمله جدال‌های مکروه به شمار آمده است (عاملی علوی، بی تا، ج ۳: ۲۶۶).

سخن امام رضا (علیه السلام) که در آن فرموده‌اند: «لعن الله الذین یجادلون فی دینه أولئک ملعونون علی لسان نبیه» (خدا لعنت کند آنان را که درباره دین خدا با هم مجادله می‌کنند! ایشان به زبان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مورد لعن قرار گرفته‌اند) (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۶۵) به مجادله غیر احسن اشاره دارد که همان مجادله درباره فروع دین و مواردی چون قدرت خداوند است که بر حیرت می‌افزاید و نیز مجادله به قصد ریا و خودنمایی است نه کشف حق. از همین رو، مرآء به معنای محاجّه و جدال کردن از روی مباهات و فخر فروشی بر سفیهان (جاهلان) نکوهش شده است. در نامگذاری «مرآء» دو احتمال وجود دارد: نخست، ممکن است کلمه مزبور از «مریه» به معنای شک گرفته شده باشد، زیرا هر یک از دو طرف مجادله کننده در سخن طرف مقابل خود یا در دلایل او شک می‌کند. دوم، ممکن است کلمه «مرآء» از «مری» به معنای کشیدن بر پستان حیوان برای دوشیدن وی باشد، زیرا هر یک از جدال کنندگان نقطه نظر طرف مقابل خود را از وی بیرون می‌کشد. «سفها» به معنای جاهلان است زیرا چنین افرادی در مقایسه با عاقلان، عقل کمتری دارند (شوکانی،

بی‌تاء، ج ۶: ۳۲۶).

امام رضا (علیه‌السلام) زیان مرء و جدال با علما و سفیهان را که از جمله مجادله‌های غیراحسن است، بیان داشته و فرموده‌اند: «با علما مرء و جدال نکنید که شما را ترک خواهند کرد، و با سفیهان نیز ستیز نکنید که شما را جاهل خواهند پنداشت» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۱۳۷). از دیدگاه ایشان، منظور از سفها قصه‌گویان مخالف اهل بیت (علیهم‌السلام) بوده و منظور از علما، علمای آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۰).

سخن امام رضا (علیه‌السلام) که در آن فرموده‌اند «إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ الْقِيلَ وَالْقَالَ» (خداوند قیل و قال را دشمن می‌دارد) (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰: ۵۰۳) به جدال ممنوع و مذموم اشاره دارد.

آیه «الْمُتَرَالِي الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنِّي يُضْرَفُونَ» (آیا ندیده‌ای آنها را که در آیات خدا مجادله می‌کنند چگونه منحرف می‌شوند) (غافر/۶۹) به جدال باطل که در مقابل جدال احسن قرار دارد، اشاره می‌کند. برای توضیح بیشتر می‌توان گفت، بر اساس آیه «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/۱۲۵) مردم از زاویه اختلاف با یکدیگر به سه گروه تقسیم می‌شوند:

الف) علما: دارای عقل صحیح و بصیرت هستند. جمله «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ» (همان) به آنها اشاره دارد. برای این گروه از مردم درخواست شده که دلایل قطعی و یقینی ارائه شود.

ب) افرادی که دارای فطرت سلیم و خوی و خلق اصیل هستند. بیشتر مردم که به درجه کمال نرسیده و به حسیض نقصان سقوط نکرده‌اند، جزء این گروه قرار دارند. جمله «وَالْمُؤَظَّةِ الْحَسَنَةِ» (همان) به این گروه اشاره دارد.

ج) افرادی که در جدال و خصوت و عناد با هم هستند. جمله «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (همان) به این گروه اشاره دارد (خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۱۰۷).

از جمله دلایل اهمیت جدال از دیدگاه اسلام، آنکه دین اسلام ضمن نهی از پذیرفتن چیزی بدون تفکر و فحص، همگان را به بحث و گفتگو ترغیب کرده است. در قرآن، جدال در سه معنای دفاع (نساء/۱۰۷ و ۱۰۹)، مجادله حق (نحل/۱۲۵) و مجادله باطل (غافر/۵؛ انفال/۶) و به منظور اهداف گوناگون به کار رفته است. برای مثال، در آیاتی از قرآن، به کاربرد تبلیغی جدال اشاره و از پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواسته شده که این شیوه و روش را در تبلیغات دینی خویش به کار گیرد (نحل/۱۲۵). در آیه ۷۴ سوره هود به دلسوزی حضرت ابراهیم (علیه السلام) برای قوم لوط و جدال وی با فرشتگان مأمور عذاب برای رفع عذاب قومش و... اشاره شده است. قرآن جدال باطل را ابزار کار و شیوه مبارزه کافران معرفی کرده است (کهف/۵۶) و حق ستیزی (همان/۵۶)، کفر و شرک (انعام/۲۵ و غافر/۵) تعصبات قومی و قبیله‌ای و عقیدتی (لقمان/۲۱) جهل و نادانی (حج/۳ و ۸)، گمراهی و گمراه کردن دیگران (همان/۹ و غافر/۳۵) را از زمینه‌های جدال باطل برشمرده است، زیرا جدال باطل بزرگترین سد راه حق و رسیدن به واقعیت‌هاست. از همین‌رو، از گناهان کبیره به‌شمار آمده است.

۳. ویژگی‌های جدال احسن

از آنجاکه واژه جدال و مشتقات آن در متون اسلامی، به‌ویژه قرآن به کار رفته، برای تمیز جدال احسن از غیر آن، باید به منابع تفسیری و روایی، از جمله سخنان امام رضا (علیه السلام) مراجعه شود. با مراجعه به منابع مزبور، نمونه‌هایی از ویژگی‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده جدال احسن را می‌توان به‌صورت زیر برشمرد:

۱-۳ علم و آگاهی

با توجه به این عنصر، کسی که می‌خواهد مناظره کند باید در موضوع مورد مناظره آگاهی لازم را داشته باشد. از همین‌رو، خداوند مجادله مشرکان را که بر اساس

علم و دانش نیست نکوهش کرده و درباره آن فرموده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ» (بعضی از مردم، بی هیچ دانشی درباره خدا مجادله و از هر شیطان سرکشی پیروی می کنند) (حج/۳) و نیز فرموده اند: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى وَ لَا كِتَابٍ مُنِيرٍ» (از مردم کسی است که بی هیچ دانشی و هیچ راهنمایی و هیچ کتاب روشنی بخشی درباره خدا مجادله می کند) (حج/۸).

هر چند آیات مزبور مجادله پیرامون صفات و افعال خداوند را نکوهش می کنند، با توجه به شرط علم و آگاهی در هر مناظره ای، هر چند پیرامون مسائل دین نباشد، دلیل مناظره کننده باید با تحصیل و اکتساب به دست آمده باشد، نه از روی تقلید، جهل و گمان، از سویی آیات یادشده نشانگر آن هستند که مناظره پیرامون مسائل دینی، همچون توحید، نبوت و... در صورت داشتن آگاهی لازم و رعایت دیگر موازین مناظره اشکالی ندارد.

در اهمیت عنصر علم و آگاهی همین بس که پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) از فضیلت علم و دانش سخن گفته اند و فراگیری آن را ضروری دانسته اند، چنان که امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: «خداوند به واسطه علم اقوامی را سربلند می کند و آنان را در خیر پیشوا قرار می دهد که از آثار آنها اقتباس می شود و به کردار آنها مردم راه می یابند و به رأی و نظر آنها مراجعه می شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۷۱).

با توجه به شرط یادشده، دفاع بدون داشتن علم و آگاهی نتیجه عکس دارد و سبب ناتوانی و بی ارزش کردن موضوع مورد دفاع مناظره کننده می شود. از همین رو، امام رضا (علیه السلام) ضمن بیان «طلب العلم فریضة علی کل مسلم» (طلب علم بر هر مسلمانی واجب است) (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱: ۷۳) با بیان ویژگی ها و امتیازهای علم، به افزودن علم تشویق فرموده اند.

مناظره های امام رضا (علیه السلام) از جمله مناظره ایشان با عمران صابی، اهمیت

عنصر مزبور را تأیید می‌کند، زیرا عمران از آن حضرت درباره اعضای فیزیکی انسان که از بحث‌های پیچیده در علم پزشکی است و نیز از طبیعت اشیا در عالم پرشش کرده که امام (علیه السلام) همه را جواب داده‌اند (مغنیه، ۱۳۳۸: ۱۲۳-۱۲۶). همچنین آن حضرت به رأس الجالوت (عالم یهودی) فرموده‌اند: «آیا منکر این هستی که تورات به شما می‌گوید: نور از کوه طور سینا آمد و از کوه ساعیر بر ما درخشید و از کوه فاران بر ما آشکار گردید؟ رأس الجالوت گفت: با این کلمات آشنا هستم ولی تفسیر آن را نمی‌دانم. حضرت فرمودند: من برایت خواهم گفت...» (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۳۴) اباصلت هروی در این باره گفته است: «من از علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) دانشمندتر و عالم‌تر ندیده‌ام و هیچ عالمی او را دیدار نکرد مگر اینکه همین را مانند من شهادت داد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۰۰).

۲-۳ بهره‌مندی از منابع خوب

داشتن منابع خوب از جمله عناصر مهمی است که در تحقق جدال احسن نقش دارد. از این‌رو، برخی از مفسران منظور از جدال احسن را احتجاج به شریعت اسلام دانسته‌اند (ماوردی، بی‌تا، ج ۴: ۲۸۶). بدیهی است، قوام شریعت اسلام به قرآن و سنت است. با توجه به این عنصر، قرآن حاوی بیشترین و بهترین مطالب حق و استدلال‌های منطقی و قومی و همچنین آداب درست‌سخن گفتن است. از همین‌رو، مناظره‌کننده باید از قرآن، همچنین از سنت بهره گیرد، چنان‌که ائمه (علیهم السلام) از جمله امام رضا (علیه السلام) در مناظره‌هایشان اغلب از قرآن و سنت استفاده می‌کردند. همین امر مهم‌ترین رمز موفقیت ایشان در مناظره‌ها بوده است. سخن امام صادق (علیه السلام) در تفسیر جدال احسن که در آن فرموده‌اند «منظور جدال با کتاب الله و قرآن است» (حویزی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۹۵) لزوم عنصر مزبور را تأیید می‌کند. تأیید دیگر آنکه امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) به فرزندان خود فرموده‌اند: «این برادران علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) عالم آل محمد (صلی الله علیه و آله)

است. مسائل دین خود را از او بپرسید و آنچه را به شما می‌گوید نگه دارید، زیرا من بارها از پدرم شنیدم که می‌فرمود: عالم آل محمد در صلب توست. ای کاش من او را دیدار می‌کردم! او با امیر مؤمنان علی هم‌نام است.» (طبرسی، ۱۳۸۷: ۳۱۵). از جمله دلایل ضرورت بهره‌مندی از قرآن در مناظره آن است که در قرآن تحریف راه نیافته و مورد قبول همه مسلمانان است. امام‌رضا (علیه‌السلام) فرموده‌اند: «قرآن در اثر گذشت زمان کهنه نشده، اثرش را از دست نمی‌دهد، زیرا برای همه زمان‌هاست، بلکه حجت و برهان برای همه انسان‌ها در طول زندگی است.» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۸۷).

امام‌رضا (علیه‌السلام) همچنین برای پاسخگویی به سؤال‌های پیروان ادیان دیگر با کتاب‌های آسمانی خودشان، که مورد احترام و پذیرش ایشان بوده، پاسخ می‌دادند. برای مثال، وقتی جاثلیق گفته: من چگونه می‌توانم با کسی بحث کنم که بر اساس کتابی که منکر آن هستم (قرآن) و پیامبری که به او ایمان ندارم (محمد) با من مناظره می‌کند؟ حضرت به وی فرموده‌اند: «ای مسیحی! اگر از انجیل برای تو دلیل بیاورم، می‌پذیری؟» جاثلیق گفت: آیا می‌توانم آنچه را انجیل فرموده رد کنم؟ به خدا سوگند، باوجود میل باطنی‌ام خواهم پذیرفت. حضرت فرمود: «حال هر چه می‌خواهی بپرس و جوابت را دریافت کن.» (همان، ج ۱: ۱۵۶).

۳-۳ استفاده از اصول و مبانی مشترک

از جمله عناصر لازم برای تحقق جدال احسن آن است که مناظره‌کننده باید بر اصول و اعتقادات مشترک خود و طرف مقابل تکیه کند و به‌دنبال موارد اختلافی و بیان نظر خود و درصدد تأیید آن نباشد. از همین رو، در نظر گرفتن موقعیت فکری و مذهبی طرف مقابل، ضروری است، چنان‌که خداوند فرموده است: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (با اهل کتاب جز به نیکوترین

شیوه‌ای مجادله مکنید مگر با آنها که ستم پیشه کردند. و بگویید: به آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر شما نازل شده است ایمان آورده‌ایم. و خدای ما و خدای شما یکی است و ما در برابر او گردن نهاده‌ایم) (عنکبوت/۴۶). همچنین به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ...» (بگو: ای اهل کتاب، بیاوید از آن کلمه‌ای که پذیرفته ما و شماست پیروی کنیم: آنکه جز خدای را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را سواى خدا به پرستش نگیرد...) (آل عمران/۶۴).

هر چند آیات مزبور از مجادله با اهل کتاب و ضرورت احسن‌بودن مجادله با ایشان سخن می‌گویند، لزوم احسن‌بودن مجادله، به مجادله با اهل کتاب محدود نمی‌شود بلکه مناظره با هر کسی از جمله مناظره با مسلمانان باید احسن باشد؛ یعنی در هر مناظره‌ای باید عناصر لازم، از جمله استفاده از نقاط مشترک رعایت شود زیرا دو فرد یا دو گروه وقتی می‌توانند مناظره و گفتگو کنند که زمینه‌های مشترکی با هم داشته باشند و چنانچه در هیچ مسئله‌ای با هم توافق نداشته باشند، بین آنها گفتگو و مناظره‌ای روی نخواهد داد. از طرفی، برای «اهل کتاب» دو تفسیر قابل تصور است؛ بر اساس هر یک از دو تفسیر، آیات مورد اشاره، مناظره و گفتگوی مسلمان را نیز شامل می‌شوند زیرا بر اساس یک تفسیر، منظور از اهل کتاب کسی است که به پیامبری ایمان آورده یا به یک دین الهی منتسب باشد. بر اساس این تفسیر، آیات مورد اشاره، اهل دین اسلام و منتسبان به آن و نیز زردشتی‌ها و مهابادی‌ها را شامل می‌شوند. بر اساس تفسیری دیگر منظور از اهل کتاب کسانی هستند که به این اسم معروفند (یهود و نصاری)، بر اساس این تفسیر نیز آیات مورد اشاره به طریق کنایه یا به طریق قیاس اولویت شامل مسلمانان نیز خواهند بود (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۱۱: ۲۶۷).

نامه‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به سران ادیان نیز ضرورت و اهمیت عنصر یادشده را تأیید می‌کند. از همین‌رو، مناظره‌کننده باید مبنای طرف مقابل را به‌دست آورد و بر اساس آن وارد بحث و مناظره شود. «امروزه در مناظرات تکیه بر اصول

و مبانی مشترک از ضروریات گفتگو بین ادیان و بهترین راه معرفی اسلام است.»
(طاهری آکردی، ۱۳۸۷: ۱۶۳).

امام‌رضا (علیه‌السلام) نیز در مناظراتشان به این نکته اهتمام و توجه داشتند و با هر گروه از مخالفان بر اساس مبانی مشترک مناظره می‌کردند. از این‌رو، در مناظره ایشان با اهل کتاب مباحثی چون توحید، پیامبران الهی و نزول کتاب‌های آسمانی مطرح و با این روش دیدگاه حق درباره آنها اثبات شده است. این امر از مناظره‌های آن حضرت با افراد گوناگون از جمله جاثلیق، به‌خوبی تأیید می‌شود. (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۶).

۳-۴ فصاحت در گفتار

از جمله عناصر ضروری برای تحقق جدال احسن، فصاحت در گفتار است. فصاحت و شیوایی یکی از سجایای خطیب و گوینده به‌شمار می‌آید و موجب می‌شود که سخن گوینده خالی از اختصار زیاد و تفصیل ملال‌آور باشد. و اینکه سخنران و گوینده در خطابه، نظم الفاظ را طوری با هم ترکیب کند که معانی مقصود گوینده را ایفا نماید و مطابق اقتضای حال سخن بگوید. بدیهی است، امام‌رضا (علیه‌السلام) همانند پدران خویش دارای بالاترین درجه فصاحت و بلاغت بودند که خطبه‌ها و مناظره‌های ایشان نمایانگر آن است (خوشنویس، ۱۳۵۹: ۹۴-۹۸).

فصاحت و بلاغت آن حضرت همه را تحت تأثیر قرار می‌داد به‌گونه‌ای که هر کس در محضر ایشان حاضر می‌شد و سؤالی طولانی می‌کرد، با یک جمله کوتاه او را جواب مقتضی می‌داد چنان‌که فرد راضی و خشنود برمی‌گشت. آن حضرت مطالب آسمانی را در قالب الفاظ فصیح و بلیغ ریخته و به مردم می‌آموختند. همچنین، در مناظره آن حضرت با رأس‌الجالوت، رأس‌الجالوت فصاحت و بلاغت امام‌رضا (علیه‌السلام) درباره تفسیر آنچه درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه‌السلام) و... شنیده بود را می‌ستایند (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۲۲۵ و ۲۲۶). لحن و فصاحت و جواب‌های دقیق

امام (علیه السلام) افراد را مشتاق شنیدن می‌کرد. برای مثال، در مناظره ایشان با عمران صابی، زمانی که «امام رضا (علیه السلام) رو به مأمون کرده و فرمود: وقت نماز شده است، عمران که مشتاق شنیدن ادامه سخنان آن حضرت بود، گفت: مولای من، سؤال مرا قطع نکن! دلم نرم شده است. فرمودند: نماز می‌گزاریم و باز می‌گردیم» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۷۲).

۵-۳ رعایت ادب

مناظره‌کننده باید با طرف مقابل مناظره به شیوه نیکو و بهترین برخورد سخن بگوید و نیکوترین سخن را بر زبان آورد، زیرا انعکاس سخن حق در فکر دیگران سبب جذب دل‌ها می‌شود، چنان‌که خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...» (به سبب رحمت خداست که تو با آنها چنین خوشخوی و مهربان هستی. اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی، از گرد تو پراکنده می‌شدند) (آل عمران/۱۵۹).

با توجه به عنصر مزبور، مناظره‌کننده باید سخنش با مخاطب با خشونت کلامی و رفتاری همراه نباشد. از این‌رو، برخی از مفسران گفته‌اند: «منظور از جدال احسن آن است که به وسیله نرمی با خشونت و به وسیله کظم غیظ با خشم و به وسیله خیرخواهی با خصومت مقابله کنند.» (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ۱۹۱). همچنین طبرسی جدال احسن را به جدال همراه با رفق و مدارا تفسیر کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۶۰۵). علامه طباطبایی نیز در این باره گفته است: «مجادله در صورتی نیکوست که همراه با خشونت و طعنه و اهانت نباشد و همراه با رفق و نرمی باشد، به گونه‌ای که حسنی بر حسن دیگر بیفزاید. در این صورت، جدال احسن خواهد بود.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۱۳۷) زیرا تمسخر، استهزا، درشت‌خویی، اهانت و طعنه سبب کینه و دشمنی می‌شود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲: ۳۵۶).

عنصر ادب در مناظره مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد به گونه‌ای که هر نوع اخلاق

خوب را شامل می‌شود، اما برخی در تفسیر آن گفته‌اند، ادب در مناظره یعنی فقط در چارچوب موضوع بحث، سخن بگوییم و خود را به چیزی مشغول کنیم که نفعی در آن است، جایگاه فرد مقابل را حفظ کرده و به‌خاطر اشتباه در شیوه یا دلیل، تحقیر نکنیم (جوینی شافعی، ۱۴۲۰ ق: ۳۲۵).

امام‌رضا (علیه‌السلام) در مناظرات خویش ادب را در نهایت حدّ خویش رعایت می‌فرمود؛ سخنان مخاطب را به‌خوبی گوش می‌کرد و میان سخنان او نمی‌آمد و از ناکامی طرف مناظره در پاسخ به سؤال‌ها اظهار مسرت نکرده و او را تحقیر نمی‌کرد، در هیچ‌کدام از مناظره‌ها طعنه یا توهینی به طرف مقابل نکرد، حتی زمانی که سخن بر محور نفی الوهیت بود، بلکه با طرف مورد مناظره در نهایت ادب و احترام رفتار می‌کرد و از عبارت‌هایی چون «فهمت یا عمران (آیا مطلب را فهمیدی؟) بهره می‌گرفت (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۷۰). از این‌رو، گاهی طرف مقابل را با نام کوچک صدا می‌کردند. سلیمان مروزی (متکلم خراسان) در حین مناظره تناقض‌گویی کرد. مأمون گفت: وای بر تو سلیمان! چقدر این حرف غلط را تکرار می‌کنی؟ این سخن را قطع کن و به سراغ چیز دیگری برو. امام (علیه‌السلام) رو به مأمون کرد و فرمود: «رهایش کن، حرفش را قطع نکن، چون آن را دلیل حقانیت خود قرار می‌دهد. سپس رو به سلیمان کرد و فرمود: ادامه بده ای سلیمان (قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۰۲). این ادب و برخورد محترمانه امام‌رضا (علیه‌السلام) موجب شد که سلیمان مروزی پس از گرفتن پاسخ پرسش خویش، به آن حضرت بگوید: «جعلت فداک (قربانت گردم) (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۸۱) و عمران صابی (بزرگ صابئین) بارها از عبارت «یا سیدی» (سرورم) استفاده نماید (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۶۸).

از جمله دلایل اهمیت عنصر ادب آن که امام‌رضا (علیه‌السلام) ادب را «جامه زیبا» تعبیر کرده و فرموده‌اند: «آداب، جامه‌های زیبا هستند» (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱: ۱۸۴). استعاره‌آوردن «حلل» برای ادب در سخن مزبور از آن روی است که ادب زینت دائمی انسان است. همچنین، درباره‌ی دشواری بودن ادب فرموده‌اند: «عقل و خرد عطیه و موهبتی است الهی ولی ادب با کوشش و تلاش حاصل آید. هر کس رنج تحصیل ادب را تحمل

کند، آن را به دست آورد، اما آن که برای به دست آوردن عقل رنج برد، جز نادانی نیفزاید.» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۵۳).

۳-۶ دنبال حق بودن و پرهیز از تعصب در مجادله

از جمله عناصر مهم و ضروری برای تحقق جدال احسن «حق محوری و پرهیز از تعصب» است. مصطفوی درباره این عنصر گفته است: «منظور از جدال احسن آن است که مناظره کننده به حق و محو باطل توجه داشته باشد؛ با سخنی نرم و بدون خشونت و تعصب.» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۶۴).

با توجه به عنصر مزبور گاهی ممکن است حقیقت و واقعیت مسئله‌ای برای فردی روشن نباشد. در این صورت، وی می‌تواند با گفتگو و مناظره با دیگران در پی فهم حقیقت آن مسئله باشد. بدیهی است، اگر هدف وی از مناظره شناخت حقیقت باشد، در گفتگو، به مسائل بهتر، دقیق‌تر و عمیق‌تر توجه می‌کند و در نتیجه، به حقایق مفیدی دست می‌یابد.

ضرورت این عنصر را می‌توان از جمله امام رضا (علیه السلام) «أَلَا نَجِيءُ بِالنِّصْفَةِ يَا نَصْرَانِي.» ای نصرانی، اکنون به انصاف رفتار کردی (طبرسی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۴۱۷). در مناظره با جاثلیق نتیجه گرفت، زیرا حضرت از عدم انصاف جاثلیق اعتراض و به گونه ای رعایت انصاف و پرهیز از تعصب را در مناظره تشویق کرده‌اند.

با توجه به این عنصر، مناظره کننده باید مطابق رضای خدا و به حق سخن بگوید، نه با هدف غلبه بر دیگری. او نباید از شخص یا قول باطل دفاع کند، هرچند از چنین راهی بتواند بر طرف مقابل چیره شود و به مطلوب خود برسد. لذا، نباید برای رسیدن به هدف حق، از وسیله باطل استفاده شود. از همین رو، امام رضا (علیه السلام) با استناد به آیه «وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ حَوَّانًا أَنِيمًا» (و به خاطر کسانی که به خود خیانت می‌ورزند مجادله

مکن، که خدا خائنان گناهکار را دوست ندارد) (نساء/۱۰۷) از مناظره و جدال با خائنان و گناهکاران نهی کرده‌اند (ابن طاوس حلی، ۱۴۱۱ق: ۱۵).

یکی از شرایط جدال احسن این است که شخص مقابل بر دیدگاه باطل خود اصرار نکند زیرا خداوند جدال در برابر حق را زمینه عقوبت‌های الهی در دنیا و کیفر در آخرت دانسته است و از هلاکت و نابودی حق‌ستیزان با روش جدل باطل خبر داده است (غافر/۵). بهترین راه برای بیان و رسیدن به حق، مناظره منطقی و خالی از هرگونه تعصب و لجاجت است؛ علامت جدال احسن آن است که اگر طرف مقابل سخنش بر حق است، ناراحت نشود زیرا هر دو به دنبال حق و حقیقت بودند؛ اما نشانه مجادله باطل آن است که اگر سخن حق بر زبان شخص مقابل جاری شود، جدال‌کننده ناراحت شود و بخواهد که آنچه را او می‌گوید صحیح باشد و آن را به طریق جدال بر طرف مقابل تحمیل کند و در ضمن آن نقص و عیب و ایراد کلام او را ظاهر سازد (نراقی، ۱۳۷۵: ۵۵۱).

۳-۷ عقلانی و منطقی بودن دلایل مناظره‌کننده

از جمله عناصر ضروری برای تحقق جدال احسن آن است که در مناظره از دلایل عقلانی و منطقی بهره گرفته شود، چنان‌که طریحی در تفسیر «و جادلهم بالتی هی أحسن» (عنکبوت/۴۶) گفته است: «جدال احسن مقابله حجت با حجت است» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۳۳۴). مغنیه نیز گفته است: «یعنی در آنچه می‌شنود رعایت انصاف کند و آنچه را حق تشخیص می‌دهد، باید به آن اعتراف کند.» (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۶: ۱۱۶).

استفاده از دلایل و استدلال‌های عقلی و منطقی در مناظره‌ها و حتی گفتگوی بین ادیان، در رسیدن به نتیجه واحد نقش بسزا دارد. مناظره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در اوایل بعثت با پنج گروه مسیحی، یهودی، ثنوی، مادی و بت‌پرستان مدینه، ضرورت این عنصر را تأیید می‌کند زیرا پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با دلایل عقلی و منطقی

آنها را چنان قانع کرد که گفتند: «به ما مهلت بده تا در این گونه مسائل بیندیشیم. پیغمبر در پایان برای بیدار شدن ضمیر وجدان و فطرت انسانی، به آنان فرمودند: «گر با دل‌های پاک و با دید انصاف و عقل خدادادی بیندیشید، خداوند هدایت را نصیب‌تان خواهد کرد.» (طبرسی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۲۷). امام صادق (علیه السلام) پس از نقل این مناظره، فرموده‌اند: «سوگند به پروردگاری که پیامبر را به حق مبعوث کرد! سه روز بیشتر طول نکشید که تمام این ۲۵ نفر که در قالب پنج گروه به مصاف و مناظره با پیغمبر آمده بودند، به حضور حضرت شرفیاب و همگی مسلمان و تسلیم حقیقت شدند و در کمال صراحت و صداقت گفتند: «یا محمد! تاکنون مانند حجت و دلیل تو ندیده بودیم و کسی این گونه با ما مناظره نکرده بود. شهادت می‌دهیم که تو رسول خدایی.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹: ۲۵۵).

امام رضا (علیه السلام) نیز در مناظره با زندق و ملحدان که به چیزی معتقد نبودند، از این شیوه بهره می‌جستند. همچنین، در مناظره با اهل کتاب، علاوه بر تکیه بر مشترکات دینی، از طریق استدلال عقلی حقانیت اسلام را اثبات می‌کردند. این شیوه در مناظره آن حضرت با عمران صابی بیش از همه مشهود است. ایشان با استدلال‌های عقلی، تمام راه‌های گریز را بر عمران بست و در نهایت وی مسلمان شد. «مناظره عمران صابی حاوی مهم‌ترین و مبهم‌ترین سؤال‌های حکمت درباره عقل متعالی است که عقول محققان را هنگام تفکر در آن، خسته می‌کند (قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۷۲).

در هنگامی که جاثلیق از مغالطه دروغ استفاده کرد تا امر را بر حصار مشتبه کند، امام رضا (علیه السلام) بدون هتک حرمت، پاسخ معقول و منطقی او را می‌دهد و می‌فرماید: «وقتی انجیل اول را از دست دادید، آن را نزد که یافتید؟ و انجیل موجود را چه کسی برای شما آورد؟ جاثلیق: ما بیش از یک روز انجیل را گم نکردیم، تا اینکه به وسیله یوحنا و متی تازه و نو به دست ما رسید. امام (علیه السلام): چقدر شناخت تو نسبت به انجیل و دانشمندان آن ناقص است! اگر چنین بود که تو می‌گویی، معنی نداشت که شما درباره انجیل دچار آن همه

اختلاف شوید...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۶۲).

جائلیق ابتدا چنان وارد بحث می‌شود که گویی ذره‌ای در پیروزی خود شک ندارد، اما در نهایت اعتراف می‌کند که جز (الله) خدای دیگری نیست و در انتها می‌گوید: «دیگری از تو سؤال کند. به مسیح سوگند که در میان دانشمندان مسلمان، مانند تو نیست.» (همان، ج ۱: ۱۶۴). رأس الجالوت (عالم یهودی) و هرید (عالم زردتشتیان) نیز با سکوت معنادار خود، از ادامه بحث خودداری و محمدبن جهم (ناصری) گریه و توبه می‌کند. همچنین عمران صابی وقتی سخنان منطقی و استدلال‌های عقلی و نقلی امام‌رضا (علیه‌السلام) را شنید مسلمان شد و یکی از مدافعان سرسخت اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) گردید؛ چنان‌که متکلمان از گروه‌های مختلف نزد او می‌آمدند و او با ادله محکم، دلایل آنان را رد می‌کرد (همان، ج ۱: ۱۷۸).

اگر بحث و مناظره بر پایه ضوابط منطقی نباشد، نتیجه مطلوبی نخواهد داشت. مناظره‌کنندگان باید بدانند که در مناظره، افراد دیگری حضور دارند یا در آینده نیز حضور خواهند داشت که درباره بحث آنان داوری می‌کنند، لذا پاسخگویی به پرسش‌های طرف مناظره‌کننده باید به شایستگی و بر اساس عقل و منطق باشد.

گاه در مناظره‌ها طرف مناظره از اموری دفاع می‌کند که هیچ دلیل عقلی و منطقی آن را پشتیبانی نمی‌کند و با روش‌های تهاجمی، سخن حق را به چالش می‌کشد. در چنین شرایطی، بهتر است به‌جای اصرار بر قبول حق، از او بخواهیم که دلایل خود را بگوید. آنگاه بر سر دلایل هر دو طرف بحث شود. خداوند در این باره فرموده است: «قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَ غَضَبٌ أَ تَجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَانظُرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ.» (گفت: پلیدی و غضب پروردگارتان شما را فرا گرفته است. آیا با من درباره نام‌هایی مجادله می‌کنید که شما و پدرانتان به‌عنوان معبود و خدا بر بت‌ها گذارده‌اید، درحالی‌که خداوند هیچ دلیلی درباره آن نازل نکرده است؟ پس شما منتظر باشید، من هم با شما انتظار می‌کشم!) (اعراف/۷۱).

«امام رضا (علیه السلام) در موارد متعدد از طرف مقابل در صحنه مناظره می‌خواست تا هر سؤالی را که به ذهنش خطور می‌کند، مطرح نماید. سپس تمام پرسش‌ها را به شایستگی و روشنی پاسخ می‌فرمود، حال آنکه بیشتر پرسش‌های مزبور در مدینه یعنی محل تولد اقامت امام (علیه السلام) کمتر سابقه داشت. این مطلب از کلام عموی آن حضرت کاملاً مشخص است؛ آنگاه که به نوفلی می‌گوید: من این خصوصیت او را در مدینه سراغ نداشتیم و نمی‌دانستیم او تا این اندازه در علوم مختلف متبحر است. لذا این جنبه از شخصیت آن حضرت حتی بر نزدیکان ایشان نیز مغفول و ناشناخته بوده است. اما دانش سرشار خدادادی امام چنان بود که گویی همه عمر به این مباحث اشتغال داشته است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۴۶۵).

امام رضا (علیه السلام) در برابر هشدار نوفلی که ایشان را از مناظره با متکلمان و اهل بدعت برحذر می‌داشت، فرموده‌اند: ای نوفلی، می‌خواهی بدانی چه زمان مأمون پشیمان می‌شود؟ زمانی که ببیند با اهل تورات با توراتشان، با اهل انجیل با انجیل‌شان، با اهل زبور با زبورشان، با صابئین به عبری، با زردتشتیان به فارسی، با رومیان به رومی و با هر فرقه‌ای با زبان خودشان بحث می‌کنم و آن‌گاه که همه را مجاب کردم و در بحث بر همگی پیروز شدم و همه آنان سخنان مرا پذیرفتند، مأمون خواهد دانست آنچه درصددش است شایسته او نیست و از کرده خود پشیمان خواهد شد (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۱۸).

۳-۸ قابل فهم بودن بودن سخنان مناظره‌کننده

در تأیید لزوم و اهمیت این عنصر برای تحقق جدال احسن، طبرسی گفته است: «منظور از جدال احسن آن است که با ایشان به اندازه قدرت درک آنها سخن بگوید، همان‌گونه که در حدیث آمده: به ما جماعت پیامبران امر شده که با مردم به اندازه عقل ایشان سخن بگوییم.» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۰۵).

استفاده از عبارت‌های ساده و قابل فهم در جدال بسیار مهم است زیرا استفاده از

لغات پیچیده ممکن است موجب سوءتعبیر شود. امام صادق (علیه السلام) درباره تفسیر جدال احسن فرموده‌اند: «این است معنای جدال احسن که به شبهه مخالف و اعتراض طرف طوری پاسخ داده شود که مطابق درک و فهم او باشد و بطلان حرف او از راه حق آشکار شود.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۱۲۶).

به موجب روایت «إنا معاشر الانبياء أمرنا أن نكلم الناس على قدر عقولهم» ما پیغمبران مأموریم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۵۱) از پیامبران خواسته شده که با مردم به قدر فهم و سطح فکر ایشان سخن بگویند؛ یعنی با کسی که سطح فکرش بالاتر است، در سطح بالاتر و با آن که سطح فکرش پایین تر است، در سطح پایین تر گفتگو کنند.

عنصر مزبور نشانگر آن است که در مناظره باید به زبان و استعداد مخاطب توجه شود، چنان که امام رضا (علیه السلام) فرموده‌اند: «حدثوا الناس بما يعرفون و دعوا عما ينكرون» (از آنچه مردم می‌توانند درک کنند و بشناسند سخن بگویید و از آنچه نمی‌دانند درک و باور داشته باشند، خودداری کنید) (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۴). همچنین، آن حضرت با تکیه بر این روش، در پاسخ فردی که از روایتی درباره خلقت آدم به صورت خودش پرسیده، به صورت ساده و قابل فهم، با استناد به حدیث قدسی پیامبر (صلی الله علیه و آله) که فرمودند «ما عرفنی من شبهنی» اشتباه آن فرد را بازگو کردند. (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۱۶).

از جمله دلایل اهمیت عنصر مورد اشاره در تحقق جدال احسن آنکه امام رضا (علیه السلام) در مناظره برای فهم بهتر مطلب، از تمثیل و تصویرسازی بهره برده‌اند، چنان که در پاسخ به سؤال عمران صائبی فرموده‌اند: «عمران پرسید: ای آقای من! مرا آگاه فرما که آیا خداوند درون مخلوقات جای دارد یا مخلوقات درون اویند؟ امام (علیه السلام) فرمود: ای عمران! خداوند برتر از آن است که می‌گویی. خداوند نه درون خلق است و نه خلق درون او و خداوند برتر از آن است. اینک من رابطه خداوند با مخلوقات را به تو می‌آموزم وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (ای عمران!) اکنون به من بگو آن هنگام

که عکس تو در آینه منعکس می‌شود، تو در آینه‌ای یا آینه در توست؟ اگر هیچ‌یک درون دیگری نیست، چگونه به انعکاس عکس خودت در آینه استدلال می‌کنی؟ (کدام سبب، موجب می‌شود تصویر خود را در آینه بگیری؟) عمران پاسخ داد: با آن پرتو و روشنایی که بین من و آینه وجود دارد. امام رضا (علیه السلام) فرمود: پرتوی که در آینه می‌بینی، بیش از پرتوی است که در چشم خود می‌بینی؟ عمران گفت: آری. امام فرمود: آن را نشانم بده. عمران دیگر نتوانست پاسخی بدهد. امام فرمود: نتیجه آنکه نور است که نه در آینه است نه در تو؛ بلکه چیزی است جدا که شما را به یکدیگر مربوط ساخته است (و هم تو را و هم آینه را نشان می‌دهد). البته، برای توضیح این حقیقت مثال‌های دیگری وجود دارد که افراد نادان را راهی به آن نیست. «وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى...» (نحل/۶۰) صفت برتر از آن خداوند است و اوست پیروزمند و حکیم. (همان: ۱۷۲).

۹-۳ نقد سخن نه گوینده سخن

رعایت ادب در مناظره و پرهیز از درشت‌گویی و طعنه و توهین به طرف مقابل (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۱۲۷) از جمله عناصر ضروری تحقق جدال احسن است. یکی از مشکلات در مناظره‌ها نقد شخصیت افراد و متهم کردن طرف مقابل است. این امر ممکن است مناظره و گفتگوی علمی را به دعوی شخصی تبدیل کند. از این‌رو، امام رضا (علیه السلام) در هیچ مناظره‌ای مخاطبان خود را به دروغ‌گویی و مغلطه‌گری متهم نکرده‌اند، بلکه در همه موارد، نقاط اشتباه و انحراف آنان را تذکر داده‌اند. با وجود آنکه گاهی در برخی موارد احساس شده مخاطبان امام راه اعتدال را رها کرده، کلمات خود را آمیخته با دروغ، تحریف یا مغلطه نموده‌اند، آن حضرت در همه این حالات، با صبر و حوصله از کنار شخصیت افراد گذشته و تنها استدلال‌های آنان را با دلایل محکم باطل کرده‌اند. در مقابل، جاثلیق (عالم نصرانی) از تنها فرصت به‌دست‌آمده استفاده و به خیال خود و به قصد تحقیر، آن حضرت را به جهل و

ناتوانی علمی متهم کرده و به امام (علیه‌السلام) گفته‌اند: «به‌خدا قسم، علم خود را فاسد و خود را تضعیف کردی؟ گمان می‌کردم تو عالم‌ترین فرد در بین مسلمانان هستی.» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۹).

با توجه به عنصر یادشده، طرفین مناظره باید در بحث و گفتگوی خود ادله و مستندات یکدیگر را مورد توجه و بررسی قرار دهند و از مسائل حاشیه‌ای چون انگیزه‌خوانی و نقد‌گوینده‌بپرهیزند و در پی رسیدن به حقیقت باشند. بدیهی است، نقد‌گویندهٔ سخن مانع رسیدن به حقیقت است که در روایات از آن به «گمشده مؤمن» تعبیر شده است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵: ۳۹۹).

۳-۱۰ اقناع طرف مناظره‌کننده و ناظران

از جمله عناصر مهمی که در تحقق جدال احسن نقش بسزا دارد، اقناع طرف‌های مناظره‌کننده است؛ یعنی مناظره‌کننده باید چنان در مناظره قوی باشد که با ادلهٔ محکم و قابل قبول، طرف مقابل را قانع کند. از این‌رو، امام‌رضا (علیه‌السلام) به همهٔ سؤال‌های مناظره‌کننده‌ها با کتاب‌های دینی و مورد قبول خودشان پاسخ می‌داد و آنان را کاملاً قانع می‌فرمود به‌گونه‌ای که موجب اسلام‌آوردن برخی از عالمان دیگر ادیان و حتی توبهٔ برخی از مسلمانان گردید. برای مثال، عمران صابی به خاک افتاد و گفت: «سرورم! فهمیدم و گواهی می‌دهم که خدا چنان است که شما وصف و به یگانگی توصیفش کردی و اینکه محمد بندهٔ اوست که به نور هدایت و دین حق مبعوث شده است. آن‌گاه، رو به قبله سجده کرد و اسلام آورد.» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۷۰). همچنین، هنگامی که آن حضرت با استفاده از آیات قرآن همهٔ پرسش‌های علی بن محمد بن جهم را پاسخ داد و او را کاملاً قانع کرد، محمد بن جهم گریست و گفت: یابن رسول‌الله! من توبه می‌کنم از اینکه دربارهٔ انبیای خدا به غیر از آنچه شما گفتید سخنی بگویم (همان: ۱۹۵).

امام‌رضا (علیه‌السلام) علاوه بر آنکه در مناظرات طرف مقابل خود با دلایل محکم و

قابل قبول اقناع می‌فرمود، ناظران را نیز اقناع می‌کردند. ایشان با منظم بحث کردن، مرحله به مرحله با اعتراف گرفتن از طرف مناظره، موجب آشکار شدن تناقض گویی طرف مقابل شده و در ناظران بحث این اندیشه ایجاد می‌شد که اعتقادات فرد مناظره کننده چندان هم بر پایهٔ تعقل استوار نیست و استدلال‌های محکمی در برابر این اشکال‌ها ندارد. مانند این بخش از مناظره:

امام رضا (علیه السلام) خطاب به جاثلیق می‌فرمایند: «تو را سوگند می‌دهم! آیا در انجیل این هست که یوحنا گفته: «مسیح مرا از آیین محمد عربی خبر داد و به من مژده داد که پس از او محمد می‌آید، من هم این مژده را به حواریون دادم و آن‌ها به محمد ایمان آوردند؟» جاثلیق: بله یوحنا از قول حضرت مسیح چنین مطلبی را نقل کرده است و نبوت مردی را مژده داده و نیز به اهل بیت و وصی او بشارت داده است، ولی معین نکرده که این موضوع چه زمانی اتفاق خواهد افتاد و آنان را نیز برایمان معرفی نکرده است تا آنها را بشناسیم. حضرت فرمودند: اگر کسی را بیاوریم که نام محمد و اهل بیت و امتش را از انجیل تلاوت کند، به او ایمان می‌آوری؟ گفت: حرف خوبی است، حضرت به نسطاس رومی فرمودند: سفر ثالث انجیل را تا چه حد از حفظ هستی؟... سپس امام نام محمد و خاندان و پیروانش را از انجیل قرائت کرد... جاثلیق: آنچه را از وجودش در انجیل برایم ثابت و روشن شد، انکار نمی‌کنم و به آن اذعان دارم.» (همان: ۱۵۷). همچنین، سخن جاثلیق سؤال از قابل اطمینان بودن قول چهار نفر از دانشمندان بزرگ مسیحیت یعنی لوقا، یوحنا، متی و مرقابوس، او ابتدا قول آنان را نافذ می‌داند، اما کمی جلوتر آنان را به افترا بستن بر حضرت عیسی (علیه السلام) متهم می‌کند. «امام: گواهی این چهار نفر نزد تو چگونه است؟ جاثلیق: گواهی آنها نافذ است. اینان دانشمندان انجیل‌اند و به هر چه گواهی دهند، حق است... امام: دربارهٔ گواهی لوقا و مرقابوس و متی دربارهٔ نسبت عیسی چه نظری داری؟ جاثلیق: آنها بر عیسی افترا زده‌اند. حضرت به حضار فرمودند: آیا (هم‌اکنون) پاکی و صداقت آنان را تأیید نکرد و نگفت عالم به انجیل هستند و گفتارشان حق و حقیقت؟...» (همان: ۱۶۲ و ۱۶۳).

این شیوه در مناظره با رأس الجالوت (عالم یهودی) و هرگز اکبر (عالم زرتشتی) نیز بارها تکرار شد (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۴۴ و ۳۴۲). ابویعقوب بغدادی می‌گوید که ابن سکتیت پرسش‌هایی دربارهٔ راز اختلاف معجزات پیامبران پرسید و حضرت، جواب کامل و قانع‌کننده‌ای داد. ابن سکتیت مرتب می‌گفت: «وَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ مِثْلَكَ قَطُّ» (به خدا قسم! هرگز مانند تو ندیدم) (طبرسی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۴۳۳).

۴. برخی از مصداق‌های جدال غیر احسن

در مقابل جدال احسن که از اهمیت و عناصر تشکیل‌دهندهٔ آن سخن به میان آمد، جدال غیر احسن قرار دارد که به‌موجب برخی از روایات، بر شیعیان حرام است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۶۶۷). از جمله جدال‌های غیرمجاز، عبارتند از:

۱-۴ مناظره و جدال با جاهل

باید با کسی مناظره شود که حرفی برای گفتن داشته باشد، لذا با افراد جاهل و بی‌هدف جدال درست نیست زیرا موجب برافروخته‌شدن کینه و دشمنی در وجود جاهل می‌شود. از این‌رو، اگر جاهلی پیشنهاد مناظره بدهد، باید به بهانه‌ای از این مناظره بی‌نفع و عواقب آن دوری بسته شود، چنان‌که در سیرهٔ برخی علمای بزرگ دیده شده که وقتی افراد جاهل با آنان مناظره می‌کردند با اظهار بی‌اطلاعی از حقیقت مطلب و گفتن «اللَّهُ اعْلَمُ» از ادامهٔ بحث شانه خالی می‌کردند. خداوند فرموده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ» (و بعضی از مردم، بی‌هیچ دانشی دربارهٔ خدا مجادله و از هر شیطان سرکش پیروی می‌کنند). (حج/۳).

این نوع مناظره و جدال دربارهٔ مسائل دینی، از حساسیت بیشتری برخوردار است. از این‌رو، امام‌رضا (علیه‌السلام) فرموده‌اند: «هرکس بدون علم برای مردم فتوا دهد، ملائکهٔ آسمان و زمین وی را لعنت خواهند کرد.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۶).

۲-۴ جدالی که وحدت اسلامی را از بین ببرد

جدال در آنچه وحدت اسلامی را با مشکل مواجه می‌کند، نکوهش شده است. در حج که عملی عبادی، سیاسی، اجتماعی و مظهر اتحاد اسلامی است، از جدال نهی شده است چنان که خداوند فرموده است: «...فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ...» (هر که در آن ماه‌ها این فریضه را ادا کند، باید که در اثنای آن جماع نکند و فسقی از او سر نزند و مجادله نکند) (بقره/۱۹۷) از همین‌رو، امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: «از مجادله و ستیزه‌جویی بپرهیزید زیرا آن دو دل‌های برادران دینی را نسبت به هم مکدر نموده و بذر نفاق را پرورش می‌دهند.» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ ق: ۹: ۷۳).

اگرچه امام رضا (علیه السلام) در تفسیر آیه مزبور فرموده‌اند «تحن أشهر معلومات؛ فلا جدال فیها و لارفت و لافسوق» (کشی، ۱۳۴۸: ۴۶۱)، اما آیه مزبور عام است.

۳-۴ جدال؛ وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف شیطانی

گاه مناظره‌کننده درصدد حقیقت‌یابی یا اثبات سخن خود نیست، بلکه برای رسیدن به اهداف شیطانی مناظره می‌کند لذا باید با شرکت‌نکردن در چنین مناظراتی، توطئه طرف مقابل را خنثی نمود یا باید به‌گونه‌ای مناظره شود که اهداف شیطانی او روشن شود تا وی به آنها نرسد. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكُمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ» (از ذبحی که نام خدا بر آن یاد نشده است مخورید که خود نافرمانی است. و شیاطین به دوستان خود القا می‌کنند که با شما مجادله کنند. اگر از ایشان پیروی کنید، از مشرکانید.) (انعام/۱۲۱).

با توجه به آیه «...وَجَادِلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ...» (غافر/۵) ابطال حق یا اثبات باطل از جمله هدف‌های شیطانی است.

۵. یافته‌های تحقیق

مناظره‌های امام‌رضا (علیه‌السلام) نمونه کامل جدال احسن است زیرا ایشان در مناظره‌های خود با بهره‌گیری از علم و دانش، منابع خوب (کتاب و سنت)، فصاحت گفتار، اصول مشترک و استدلال‌های عقلی و منطقی از مؤثرترین و قابل‌فهم‌ترین شیوه تربیت برای اقناع طرف مقابل استفاده می‌کردند. هدف ایشان در این مناظره‌ها، دفاع و اثبات حقانیت اسلام، هدایت اشخاص، مبارزه با شبهه‌افکنی و بدعت در دین و ... بود، نه اثبات خود و غلبه بر طرف مقابل.

جدال به مسائل غیردینی محدود نمی‌شود، بلکه در مسائل اعتقادی و اصول دین نیز راه دارد. به‌موجب آیه «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت/۴۶) از وظایف پیامبران، از جمله پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دانسته شده است. کاربرد فعل امر در آیه مزبور، نشانگر ضرورت و اهمیت جدال احسن است.

از آنجاکه هدف مناظره و جدال احسن روشنگری و ایجاد دوستی است، ضمن تأکید بر نکات و اصول مشترک و احترام به شرایع پیشین و طرف مناظره و پرهیز از اذیت و توهین به وی، باید از مناظره در مباحثی که موجب حیرت می‌شوند، مانند قدرت خداوند خوداری شود. همچنین مناظره‌هایی که وحدت دنیای اسلام و وحدت ملی را با خطر مواجه می‌کنند، مطلوب نیستند.

با وجود مقدس بودن هدف، اثبات دیدگاه و هدف مقدس و درست به‌وسیله جدال نادرست، موجه و منطقی نیست زیرا موجب بدبینی و صدمه به آن هدف و دیدگاه مقدس می‌شود.

مناظره و جدال احسن می‌تواند در رفع اختلاف و نزاع تأثیرگذار باشد. از سویی، موجب نشاط علمی و آزاداندیشی در جامعه می‌شود.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم. ترجمه عبدالمحمد آیتی.
- ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی. (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا (ع)*. تهران: جهان.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۹۴). *تحف العقول*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن طاوس حلی، رضی الدین علی. (۱۴۱۱ق). *المجتبی من الدعاء المجتبی*. قم: دار الذخائر.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- اشتهاردی، علی بنایه. (۱۴۱۷ق). *مدارک العروة*. تهران: دار الاسوة للطباعة و النشر.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). *انوار التنزیل و اسرار التأویل*. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- حسین، طه. (۱۳۴۶). *آیین اسلام*. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۳ق). *وسائل الشیعه*. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- حسینی همدانی، محمد حسین. (۱۴۰۴ق). *انوار درخشان*. تحقیق: محمد باقر بهبودی. تهران: لطفی.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۳۸۳). *تفسیر نورالتقلین*. تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی. قم: دارالتفسیر.
- خازن، علی بن محمد. (۱۴۱۵ق). *لباب التأویل فی معانی التنزیل*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- خوشنویس، احمد. (۱۳۵۹ق). *فضایل علمی و اخلاقی امام علی بن موسی الرضا (ع) و زندگانی سیاسی امام در دوره خلافت مأمون عباسی*. تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. تهران: المکتبه المرآتیه.
- رضازاده، فریبا؛ فارسی، علیرضا. (۱۳۹۴). «اصول علمی و اخلاقی مناظره های رضوی». *فصلنامه علمی-پژوهشی فرهنگ رضوی*. سال سوم، شماره ۹، صص: ۳۷-۵۸.
- شوکانی، محمد بن علی. (بی تا). *فتح القدر*. بی جا: عالم الکتب.
- صلیبا، جمیل. (۱۴۱۴ق). *المعجم الفلسفی بالالفاظ العربیه و الفرنسیه*. چاپ اول. بیروت: الشركة العالمیه للکتاب.
- طاهری آکردی، محمد حسین. (۱۳۸۷). *پیشینه تاریخی گفتگوی اسلام و مسیحیت با تأکید بر دیدگاه شیعه و کاتولیک*. قم: انتشارات و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه
- طبرسی، ابی منصور احمد بن علی. (۱۴۱۳ق). *الاحتجاج*. تحقیق: ابراهیم بهادری. بی جا: اسوه.
- _____ (۱۳۸۷). *اعلام الوردی با علام الهدی*. ترجمه عزیز الله عطاری. قم: مؤسسه
- فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طریحی، فخر الدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. محقق: سید احمد حسینی. تهران: مرتضوی.

- طوسی، محمدبن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- عاملی علوی، سیداحمد. (بی تا). مناہج الاخیار فی شرح الاستبصار. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- عمادزاده، حسین. (۱۳۸۴). مجموعه زندگانی چهارده معصوم. تهران: طلوع.
- عطاردی، عزیزالله. (۱۳۶۸). اخبار و آثار حضرت امام رضا (ع). تهران: کتابخانه صدر.
- فراهیدی، خلیل. (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: دارالهجره.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه مر ترضی. (۱۳۷۶). المحجة البيضاء. چاپ چهارم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- قرشی، محمدباقر شریف. (۱۳۸۲). پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا (ع). مترجم: سیدمحمد صالحی. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- کاشف الغطاء نجفی، علی بن محمد. (۱۳۸۱). النور الساطع فی الفقه النافع. نجف اشرف: مکتبه الاداب.
- کشی، محمدبن عمر. (۱۳۴۸). رجال. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی. قم: دارالحديث للطباعة و النشر.
- گنابادی، سلطان محمد. (۱۴۰۸ق). تفسیر بیان السعاده. مترجم: رضا خانی و حشمت الله ریاضی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ماوردی، علی بن محمد. (بی تا). النکت و العیون. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مجتبی، سیدجلال الدین. (۱۳۷۷). علم اخلاق اسلامی. تهران: حکمت.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. تهران: اسلامیه.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معروف الحسنی، هاشم. (۱۴۰۹ق). سیره الائمة الاثنی عشر. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- مغنیه، احمد. (۱۳۳۸). شخصیت حضرت رضا (ع) و موسی کاظم (ع). ترجمه سیدجعفر غضبان. تهران: اردیبهشت.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). التفسیر الکاشف. قم: دارالکتاب العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۸). مناظرات تاریخی امام رضا (ع) با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- _____ (۱۴۲۱ق). الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- نراقی، ملا احمد. (۱۳۷۵). معراج السعاده. قم: انتشارات هجرت.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم بن جعفر. (۱۳۹۷ق). کتاب الغیبه. تهران: مکتبه الصدوق.
- نوری طبرسی، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت (ع).